

راهکار امکان‌پذیر دشوار هم باشد امید آفرین است

امید و الزامات امید آفرینی در گام دوم انقلاب به روایت دکتر محمد فاضلی

پیش در آمد توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنهای (حفظه‌الله) به جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب امید آفرینی در جامعه است. ایشان نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد جوانان را امید آفرینی اعلام کرده و تأکید می‌کنند: «در خود و دیگران نهال امید به آبنده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید.» در آنچه که پیش‌رو دارد دید دکتر محمد فاضلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، به تعریف امید پرداخته و آسیب‌شناسی از وضعیت امید در ایران ارائه می‌دهد که به نظر می‌رسد بدون توجه به آنها امید آفرینی در جامعه ایرانی ممکن نیست. این سخنرانی برای نخستین بار در نشست پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ارائه گردیده است.



د

ایگلتون جمله‌ای از فرانس جوزف نقل می‌کنند که در بر لین اوضاع جدی است اما ناامیدکننده نیست، در حالی که در وین اوضاع ناامیدکننده است اما جدی نیست. یعنی گاهی اوقات جامعه‌ای در وضعیت پر تنش‌ی واقع می‌شود که هر روز اتفاقات مختلفی می‌افتد اما کماکان وضعیت ناامیدکننده نیست

امید حتماً با هر چه‌ای از تخیل ارتباط دارد اما تخیل آنچه که امر ممکن تلقی می‌شود. ما وقتی از امید حرف می‌زنیم که در کنار داشتن هدفی واقعی، راهکار عملی رسیدن به آن را هم بشناسیم، حتی اگر نتوانیم آن را اجرا کنیم. مثلاً ما اگر کوهنوردی حرفه‌ای هم نباشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم روزی را فتح کنیم؛ چون می‌دانیم راه فتح اورست و کوهنورد حرفه‌ای شدن چیست و چگونه باید آموزش ببینیم و وسایلیش را تجهیز کنیم. هر چند این کار بسیار دشوار و سخت به نظر می‌رسد اما می‌دانیم چگونه این راه را باید برویم.

۲) **شیوهای از زندگی هدف محور**
امید حتماً با هر چه‌ای از تخیل ارتباط دارد اما تخیل آنچه که امر ممکن تلقی می‌شود. ما وقتی از امید حرف می‌زنیم که در کنار داشتن هدفی واقعی، راهکار عملی رسیدن به آن را هم بشناسیم، حتی اگر نتوانیم آن را اجرا کنیم. مثلاً ما اگر کوهنوردی حرفه‌ای هم نباشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم روزی را فتح کنیم؛ چون می‌دانیم راه فتح اورست و کوهنورد حرفه‌ای شدن چیست و چگونه باید آموزش ببینیم و وسایلیش را تجهیز کنیم. هر چند این کار بسیار دشوار و سخت به نظر می‌رسد اما می‌دانیم چگونه این راه را باید برویم.

۳) **شیوهای از زندگی هدف محور**
امید حتماً با هر چه‌ای از تخیل ارتباط دارد اما تخیل آنچه که امر ممکن تلقی می‌شود. ما وقتی از امید حرف می‌زنیم که در کنار داشتن هدفی واقعی، راهکار عملی رسیدن به آن را هم بشناسیم، حتی اگر نتوانیم آن را اجرا کنیم. مثلاً ما اگر کوهنوردی حرفه‌ای هم نباشیم، می‌توانیم امیدوار باشیم روزی را فتح کنیم؛ چون می‌دانیم راه فتح اورست و کوهنورد حرفه‌ای شدن چیست و چگونه باید آموزش ببینیم و وسایلیش را تجهیز کنیم. هر چند این کار بسیار دشوار و سخت به نظر می‌رسد اما می‌دانیم چگونه این راه را باید برویم.

۴) **همراه با راهکار**
همان‌طور که گفتیم، وقتی امید به وجود می‌آید که شما راهکار رسیدن به هدف را می‌دانید حتی اگر آن راهکار دشوار باشد. پیش از جام جهانی ۲۰۱۸ مطلبی را نوشتم و در آن گفتم ما با پر تغال بازی داریم و می‌توانیم امیدوار باشیم تیم ملی پر تغال را شکست دهیم؛ راهش را هم می‌دانیم. به ما گفته‌اند که اگر مثلاً بازی نادر کاتی با برترین تیم‌های جهانی انجام دهیم و در فلان کمپ بازی کنیم و فلان تاکتیک را در پیش گیریم، نهایتاً می‌توانیم امیدوار باشیم پر تغال را شکست می‌دهیم. بله همان موقع که راهکار می‌دهند، می‌توانند به شما بگویند این مسیر بسیار دشواری است. تجربه هم نشان داد این کار دشوار، امکان‌پذیر است. در نهایت برابر پر تغال به تساوی رسیدیم چون تقریباً همان مسیر‌ها را رفتیم، حتی اگر کمی شانس آورده بودیم شاید بازی را می‌بردیم. پس امید با راهکار همراه است اما خوش‌خیالی و خوش‌بینی راهکار ندارد. اگر ما پیش خیال خودمان فکر کنیم روزی ثروتمندترین مرد جهان می‌شوم ولی نتوانیم راهکارش را نشان دهیم، آن خیال، خوش بینی تلقی می‌شود. راهکار هم باید بر اساس اجماع عقلا ممکن باشد. به عنوان مثال در همان بازی با پر تغال که مثال زدم، جمع عقلا راه‌های پیروزی را ممکن می‌دانست و قبول داشت.

۵) **همراه با عاملیت**
کسی یا جامعه‌ای که امیدوار است، عاملیت را چه به عنوان نیروی فردی و چه به عنوان نیروی جمعی امکان‌پذیر، میسر و تسهیل می‌کند. در اصل نوعی اراده معطوف به تغییر در امید نهفته است. یعنی اگر کسی امیدوار است، کاری را هم انجام می‌دهد و امیدواری فقط برایش در حد محاسبه ذهنی نیست. البته صورت‌هایی از امید هم وجود دارد که در زبان بیان می‌شود اما معطوف به کاری نیست و حتی معطوف به گذشته است. فرض کنید شما در مهمانی خیلی شیک و با کلاسی، لباسی را پوشیده باشید که امیدوار هستید در آن خوش جلوه کنید اما شب که به خانه می‌آید متوجه می‌شوید جایی از لیاستان پارگی اساسی داشته است. اینجا در حالی که کاری از شما ساخته نیست، می‌گویید: امیدوارم کسی ندیده باشد! در این حالت شما امیدواری را به کار می‌برید اما جنس این امیدواری با آن جنسی که در این بحث منظور است، متفاوت خواهد بود. در امیدواری‌های معطوف به گذشته، عاملیتی وجود ندارد.

گام دوم

کام دوم ۸۸۴۹۸۴۶۶



۶) **محصول خطر‌پذیری**
آدمی که امیدوار به چیزی است، سطحی از خطر‌پذیری و ریسک‌پذیری را دارد. شما اگر رسیدارید قله اورست را فتح کنید یا امیدوارید که تیم پر تغال را شکست دهید یا از طریق کسب‌وکار به ثروتی برسید، برای رسیدن به هدفتان باید دست به خطر‌پذیری‌هایی بزنید. مثلاً اگر امیدوارید روزی پزشک و دانشمند بزرگی خواهید شد، خطر می‌کنید که در آن روز شانس پیدا کنید که می‌توانید صرف کار دیگری کنید، در راستای هدفتان می‌گذارید و برای رسیدن به آن هزینه می‌کنید.

۷) **محصول کار گروهی**
اساساً امید نه به تنهایی بلکه در گروه خلق می‌شود.

این وجه اجتماعی امید خیلی مهم است. حداقل آن چیزی که می‌گوییم امید اجتماعی محصول کار گروهی است. شما اگر امروز اتومبیل ندارید و امیدوارید روزی مرسدس بنز مدرن زیر پاتان باشد، این از لحظه اول امید اجتماعی است. چرا شما امید دارید مرسدس داشته باشید نه یک الاغ؟ چون جامعه است که مرسدس را ارزشمند کرده است. در اصل، طی فرآیند خلق ارزش اجتماعی، جامعه به مرسدس می‌گوید ارزشمند و برای الاغی در شهر ارزشی قائل نیست. از سوی دیگر امیدوارید با کار، تولید و اشتغال در جامعه به هدف خود برسید. همچنین این جامعه است که به شما امکان رسیدن به اهدافتان را می‌دهد. پس شما اگر درباره ایده‌های فردی‌تان هم حرف

می‌زنید، محصول کار گروهی شماست؛ بدین معنا که اولاً جامعه هدف‌تان را به رسمیت می‌شناسد و برای آن ارزش قائل می‌شود؛ ثانیاً امید یا انتظار دارید جامعه با شما همراهی کند.

۸) **محصول به رسمیت شناخته شدن**
کسانی می‌توانند امیدوار باشند که از سوی جامعه و قدرت سیاسی به رسمیت شناخته شوند. مثلاً امروز زنان‌ها امیدوارند، روزی وزیر، رئیس‌جمهور یا رئیس مجلس شوند اما بعید می‌دانم هیچ‌زنی در عصر قاجار امیدوی به شاه شدن داشته باشد، چون جامعه این زن را به عنوان یک کنشگر به رسمیت نمی‌شناسد. هر چقدر گروه‌هایی به رسمیت شناخته شوند، عواملی که تا کنون گرفتار، در آنها بیشتر فعال می‌شوند.

آسیب‌شناسی وضعیت امید در جامعه ایران



در معرض شکست هستند، خطر‌پذیری پایین می‌آید. مثلاً فرض کنید کسی می‌خواهد کار اقتصادی کند. این آدم مرتباً تردید دارد که فردا چه می‌شود. در جامعه بی‌ثبات، آدم‌ها آنچنان محافظه‌کار می‌شوند که فقط دنبال این هستند که کلاهشان را باد نبرد. محافظه‌کاری با روح امید ناسازگار است. ۳) همان‌طور که گفتیم، کار گروهی در امیدآفرینی خیلی مهم است. کار گروهی یعنی کار در چارچوب حزب، سمن، شرکت، خیریه و از این قبیل. متأسفانه در جامعه مسا موانع بسیاری بر سر راه کار جمعی وجود دارد.

۴) به رسمیت شناخته شدن مسئله دیگری در جامعه ما است. گاهی گروه‌ها و افراد روی کاغذ به رسمیت شناخته می‌شوند، اما احساسات این است که در واقعیت شریک جامعه به حساب نمی‌آیند. در همین شرایط زن‌ها چون در بسیاری از موارد نسبت

جملاتی در باب امید از کتاب «تری ایگلتون»

من برای تکمیل بحث جملاتی از کتاب تری ایگلتون به عنوان «امید بدون خوش‌بینی» انتخاب کرده‌ام که به نظرم به فهم مطلب کمک می‌کند. ۱) جان لاک می‌گوید: امید شادی ذهنی است که در انتظار منبع لذتی در آینده به دست می‌آید. یعنی باید آدم‌ها امید و انتظار داشته باشند که منبع لذتی را در آینده تجربه کنند. اگر همه منابع لذت در آینده از جمله داشتن خانه، ماشین، همسر و فراغت را در حیطه ناممکن‌ها بپرورند، امید در جامعه از بین می‌رود.

۲) دیوید هیوم می‌گوید: امید امواج رویداد خوشایندی قریب‌الوقوع است که نامعلوم اما امکان‌پذیر است. تقریباً در همه تعاریف امید این واژه امکان‌پذیری را می‌توان پیدا کرد. یعنی جامعه وقتی به سمت ناامیدی می‌رود که دایره امکان‌هایش تنگ می‌شود. وقتی همه تنگ شد نمی‌شود با صحت و تشریح به تلاش او را امیدوار کرد.

این امکان‌ها باید در چارچوب موجود بشر و در چارچوب عقلانیت جمعی، ممکن و شدنی باشد. به همین خاطر امید برخلاف آرزو پایه‌های ممکن و منطقی می‌خواهد. یعنی وقتی می‌خواهید به چیزی امیدوار باشید، باید بتوانید برای آن استدلال کنید و به دلایل مختلف نشان دهید، شدنی است. ۳) امید حتماً در یک شرایط وخیم از بین نمی‌رود. ایگلتون جمله‌ای را از فردی به نام فرانس جوزف نقل می‌کند که به قول خودش جمله مشهوری است. او می‌گوید: در بر لین اوضاع جدی است اما ناامیدکننده نیست، در حالی که در وین اوضاع ناامیدکننده است اما جدی نیست. یعنی گاهی اوقات جامعه‌ای در وضعیت پر تنش‌ی واقع می‌شود که هر روز اتفاقات مختلفی می‌افتد اما کماکان وضعیت ناامیدکننده نیست اما جوامعی هم هستند که در آنها اتفاق جدی‌ای نمی‌افتد اما ناامیدکننده هستند.

۴) جمله دیگری هم ایگلتون درباره تراژدی دارد که در فکر می‌کنم یکی از عواملی

|شنبه ۳۰ آذر ۱۳۹۸ | ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱



این خودکار را به من بفروش!

The Wolf of Wall Street

هستند کسانی که زندگی‌را از زشمندتر از دودین به دنبال ثروت می‌بینند اما کمتر گروه یا فردی را می‌توان یافت که کسب ثروت را از اولویت‌های زندگی خود خط زده باشد. آنطور که در بیانیه گام دوم هم آمده، در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها حرم نیست که مورد تشویق نیز هست اما یا این کسب ثروت از جنس همان پول‌های بیرون غلبیده از چرخ‌دنده‌های تولید ثروت وال استریت است؟ قطعاً خیر! شاید بتوان محور اصلی کسب ثروت در اسلام را اخلاق دانست. همان که موجب می‌شود حضرت امام خمینی(ره) به‌رغم املاک فراوان در خمین، علفای به آن نشان ندهد و همه را وقف عام کند! ما «گرگ وال استریت» ناآندیده انگاشتنتش به فکر به جیب زدن دارایی جامعه و حتی فقر! باشد! «گرگ وال استریت» لقبی است که روزنامه‌های اقتصادی آمریکا به جرند بلفر داده‌اند. او یکی از بزرگ‌ترین کلاهبرداران بازار وال استریت بود که با سوءاستفاده از حفره‌های امنیتی، اقتصادی و بهره‌گیری از منافع بازاریایی سر بسیاری از مشتری‌هایش را کلاه گذاشت تا با دلالی بورس، ثروتی دست و پا کند. بلفر در غرق شده در فساد و مواد مخدر، به توصیه اولین رئیسش نه چیزی را خلق می‌کند و نه چیزی را می‌سازد، فقط پول را از جیب مشتری برمی‌دارد و در جیب خودش می‌گذارد تا به جای آنها پول را به خانه برساند. «مارتین اسکورسزی» در سال ۲۰۱۳ میلادی با ساخت فیلمی با عنوان «The Wolf of Wall Street» زندگی این دلال بازار بورس را با بازی «لئوناردو دی کاپریو» بر پرده سینما کشاند. یکی از معروف‌ترین صحنه‌های این فیلم که هنوز هم در آموزش‌های بازاریابی از آن یاد می‌شود، سکانسی است که «بلفر»د به شرکایش یاد می‌دهد چطور با ایجاد تقاضا در مشتری، خودکار خودش را به خودش بفروشند. این اثر سه‌ساعته، حاوی نکات بسیاری برای تفکر پیرامون رابطه اخلاق و اقتصاد است و فهم نسبتاً خوبی از اقتصاد جهان سرمایه‌داری و پایمال شدن اخلاق در آن ارائه می‌دهد. در گزارشی که خبرگزاری تابناک از پخش نسخه دوبله شده این فیلم در سینمای خانگی تهیه کرده است مشخص شد.

هر چند نسخه اصلی «گرگ وال استریت» برای برجسته ساختن فسادهای سردمداران کلاهبردار وال استریت دارای صحنه‌های متعدد غیراخلاقی است اما نسخه دوبله شده که تحت نظارت کمپانی مادر در آسیای میانه عرضه گردیده با حفظ شاکله کلی و سیر قصه، فاقد هرگونه سکانس یا دیالوگ غیراخلاقی است.



جریان‌شناسی فکری و فرهنگی ایران معاصر

کنشگری در گام دوم انقلاب بدون شناخت جریانات فکری و فرهنگی امری محال است که حتی اگر ممکن شود به خطا، انحراف و نقاط کندی خواهد شد. بسیاری از این جریانات هر چند سازمان یا سرچشمه‌شان در طول تاریخ حذف شده و در عصر حاضر نسام یا سخنی از آن مطرح نیست اما همچنان تفکر و اندیشه‌شان جاری است و بسیاری دانسته یا نادانسته از منظر فکری با آنها هم‌جهت شده و حتی فکر و اندیشه‌شان را به پای گفتفمان اصیل انقلاب اسلامی تصام می‌کنند. در «جریان‌شناسی فکری ایران معاصر» و «جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها» که به کوشش حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه پدیده آمده است، می‌توان با اصلی‌ترین جریانات فکری و فرهنگی ایران معاصر آشنا شد و سرشناس‌ترین افراد هر جریان را شناخت. این کتاب دو جلدی برای نخستین بار در سال ۱۳۹۰ و به همت مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی به چاپ رسیده است. طبعیتاً تا به امروز نیازمند اصلاحات و تکمیل است اما با وجود نواقص همچنان از ارزشمندترین کتاب‌ها در حوزه جریان‌شناسی فکری - فرهنگی به حساب می‌آید. از ویژگی‌های این کتاب بیان تقدها و آسیب‌های جریان‌ها در کنار زیست‌نامه رهبران، مبانی، ارکان و لوازم آنها است. در جلد نخست این اثر که قریب به ۴۰۰ صفحه است، با جریان‌های عقلانیت اسلامی، روحانیت سنتی، مکتب تفکیک، سنت‌گرایی، تجددستیزی سنتی و فلسفی، فرهنگستان علوم انسانی و روشنفکری آشنا می‌شویم. در کتاب «جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها» نیز در قالب ۵۶۰ صفحه به جریان‌های فرهنگی معارض با فرهنگ ناب محمدی(ص) همچون شیطان‌پرستی، موسیقیت‌گرایی، معنویت‌های سکولار، فمینیسم، بهائیت، وهابیت، کثرت‌گرایی دینی، تصوف فرقه‌ای و انجمن‌حجتیه پرداخته شده است.

کتاب‌هایی که در گام دوم انقلاب باید خواند

کتاب‌ها در حوزه جریان‌شناسی فکری - فرهنگی به حساب می‌آید. از ویژگی‌های این کتاب بیان تقدها و آسیب‌های جریان‌ها در کنار زیست‌نامه رهبران، مبانی، ارکان و لوازم آنها است. در جلد نخست این اثر که قریب به ۴۰۰ صفحه است، با جریان‌های عقلانیت اسلامی، روحانیت سنتی، مکتب تفکیک، سنت‌گرایی، تجددستیزی سنتی و فلسفی، فرهنگستان علوم انسانی و روشنفکری آشنا می‌شویم. در کتاب «جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها» نیز در قالب ۵۶۰ صفحه به جریان‌های فرهنگی معارض با فرهنگ ناب محمدی(ص) همچون شیطان‌پرستی، موسیقیت‌گرایی، معنویت‌های سکولار، فمینیسم، بهائیت، وهابیت، کثرت‌گرایی دینی، تصوف فرقه‌ای و انجمن‌حجتیه پرداخته شده است.